

ضرورت توجه به مخاطرات محیطی از رهیافت امنیت ملی (با تأکید بر امنیت زیست محیطی)

محمد رئوف حیدری فر^۱، ناصر رضائی^۲

۱. استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه پیام نور، ایران

۲. استادیار جغرافیای سیاسی، پژوهشکده گردشگری

تاریخ وصول: ۱۳۹۴/۵/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۹/۷

The Needing to Attend Environmental Hazards from the View of National Security (Emphasizing the Environmental Security)

Mohammad Raoofe Heydrifar^{1*}, Naser Rezaee²

1. Assistant Professor of Political Geography, Payame Noor University, Iran

2. Assistant Professor of Political Geography, Tourism Research Center

Receipt: 4 July 2016; Acceptance: 23 September 2016

Abstract

Nowdays, many problems have impacted on human so that its world is faced with hazards and abnormality while much of these crises have been produced by him. Todays, it has been received news throughout the world which indicates worse conditions for humans. Hazards have been generated in all fields of human activities so that political life has been faced with challenges. There is a crisis in the present time but this solid planet which the life has been limited just only in it not in other planets and also there are no any alternatives for supporting in the extreme universe, will be faced with crises. Political Geography as a dynamic and management science should change towards of human needs and should also solve problems so that the world has become full of hope, beauty, development, progress, peace and quiet and in general it produced or define optimistic options.

Keywords: Human Security, The State, Human Hazards, Political Geography.

چکیده

امروزه مشکلات عظیمی زندگی بشر را با مخاطره و اختلال مواجه کرده که اکثریت آن توسط خود وی ایجاد شده است. هدف این مقاله مطالعه و بررسی مخاطرات انسانی بهخصوص مخاطرات زیست محیطی و افزایش میزان آن در طی سالیان آتی است. در این زمینه، دانش جغرافیای سیاسی به عنوان دانشی پویا و مدیریتی، با تغییر جهت از خدمت به قدرت و استعمار به صورت منفی، باید با رویکرد حل مشکل به صورت مثبت در خدمت بشریت درآمده است و بخشی از این مشکلات را -هر چند کوچک- حل کند تا بتواند دنیا بی پرازی، توسعه، پیشرفت، صلح و آرامش و در کل مدینه فاضله را معزی کرده یا بسازد. این مقاله با ماهیت جغرافیایی -سیاسی ضمن ایجاد توجه به ضرورت‌های مطالعاتی و پژوهشی در خصوص مخاطرات انسانی و تلاش در جهت حل آن؛ از رویکرد حل مسئله به جای ماهیت توسعه‌ای و کاربردی و غیره بهره می‌برد. روش تحقیق در پژوهش حاضر توصیفی- تحلیلی بوده که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، گردآوری و تحلیل داده‌ها به تجزیه و تحلیل مسائل پرداخته و در نهایت به نتایج مورد نظر دست یافته است. نتایج این مقاله با رویکرد آینده نگری و آینده پژوهی نشان می‌دهد که میزان و حجم مخاطرات در طی سالیان آتی افزایش می‌یابد.

کلیدواژه‌ها: امنیت انسانی، حکومت، جغرافیای سیاسی، مخاطرات انسانی.

* Corresponding Author: Mohammad raoofe Haeydrifar (amirhidry123@pnu.ac.ir)

* نویسنده مسئول: محمد رئوف حیدری فر

مقدمه

مخاطرات فراوانی با منشأ طبیعی و انسانی، آینده بشر را با چالش و ترس رویه رو کرده است. هر روز از حوادث مختلف طبیعی، مانند انفجار آتشستان اتنا در ایتالیا و حوادث انسانی نظیر انفجار بمب توسط تروریست‌های بینادگر اد عراق و مرگ انسان‌های بی‌گناه در رسانه‌های گروهی خبری به دنیا مخابره می‌شود؛ اما این تمام ماجرا نیست؛ حجم عظیمی از خطرات وجود دارد که دائمآ بر میزان و پیچیدگی آنها در تمام حوزه‌های طبیعی و انسانی افزوده می‌شود. تخریب لایه ازن، افزایش گازهای گلخانه‌ای، افزایش اشعه ماراء بنفس خورشید به دلیل تخریب جو زمین توسط انسان، مرگ و میر در تصادفات جاده‌ای، ظهور بیماری‌های جدید، پیچیده و البته مقاوم به آنتی‌بیوتیک‌ها و داروهای توسعه و گسترش شبکه‌های تروریستی، روند رو به رشد مواد مخدر و مافیای جنایت‌کار بین‌الملل و بسیاری دیگر از جرم‌های ناشناخته ایترنی و غیره از جمله مخاطراتی است که توسط خود انسان و به دست وی ایجاد شده و آینده وی و کره زمین را با بهام و چالش رویه رو کرده است.

هرچند که هنوز جاهایی نظیر کف برخی از دریاها و نقاط عمیق اقیانوس‌ها و یا شاید قطب جنوب (تنها سرحدات باقی‌مانده) شناخته شده نیست؛ به‌حال دوران اکتشافات جغرافیایی پایان یافته است. این در حالی است که رویکرد فلسفی در تاریخ علم جغرافیای سیاسی کمک شایانی به حل مشکلات جامعه بشری نکرده است و حتی خود زمینه ایجاد فجایع و مخاطرات انسانی نیز شده است. در این زمینه، دانش جغرافیای سیاسی پس از عبور از دوران اکتشافات همان‌طور که «مکینندر» یک قرن پیش بیان نمود و دوران فلسفی به دوره کاربرد و رویکرد حل مسئله نزدیک شده است و سعی به حل مشکلات و ارائه رویکردها و راهکارهای کاربردی جدیدی دارد تا بتواند این مشکلات و مخاطرات را از رهیافت مثبت حل نماید و از گذشته زشت خود یعنی همکاری با قدرت‌ها در جهت تأمین منافع آنها دور شود و به بشریت در جهت ایجاد فضای صلح آمیز و پر از رفاه و پیشرفت خدمت نماید.

مبانی نظری: حجم عظیم مخاطرات در فضای کنونی

واژه انگلیسی هزارد (Hazard) در عربی «اختطار» یا هشدار دادن و در فارسی به شکل «مخاطره» ترجمه می‌شود، هزارد از واژه فرانسوی باستان Hasard گرفته شده است. این واژه

در سده دوازدهم میلادی در فرانسه به نوعی بازی اطلاق می‌شد که با «تاس» انجام می‌گرفت (مقیمی، ۱۳۹۳: ۴). واژه‌هایی نظیر Threats، Risk، Hazards، Danger و نیز وجود دارند که به معنای خطر و یا مخاطره می‌باشند. البته برای واژه Danger نیز Risk از معنای فارسی خطر استفاده می‌شود. در مطالعات موجود در دانش مخاطرات از ریسک اغلب احتمال خطر و یا امکان وقوع یک حادثه بحث می‌شود. Threats نیز به معنای تهدید است که بیشتر جنبه انسانی آن مد نظر قرار می‌گیرد. در این زمینه، جغرافیای مخاطرات نیز علمی است که پراکنده‌گی مخاطرات طبیعی، اجتماعی و تکنولوژیکی را در سطح کره زمین مورد مطالعه قرار داده، روابط متقابل و نیز علل و نتایج آنها را بررسی می‌کند. در صورت بررسی تعاریف و مفاهیم «جغرافیا» و «مخاطرات»، ارتباط تنگاتنگی بین این دو مشاهده می‌شود. چرا که محل مورد مطالعه هردوی آنها سطح کره زمین، یعنی دنیا است. به‌طور کلی، مخاطرات به حوادثی اطلاق می‌شوند که ضمن زیر و رو گردن حیات اجتماعی و اقتصادی، به خسارات بزرگ مادی و به قربانی و زخمی شدن انسان‌ها و نیز توقف فعالیت‌های انسانی منجر می‌شوند. مخاطره در معنای وسیع، عبارت است از حوادث طبیعی یا حوادث فناورانه یا با منشأ انسانی که خسارات فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی قابل توجهی را به انسان‌ها وارد می‌کند. حوادث مزبور مختل کننده زندگی عادی و فعالیت‌های انسانی است. انسان‌ها، در جهت تأمین نیازهای خود، تغییرات بزرگی را بر کره زمین تحمیل می‌کنند. تغییرات مزبور، موجبات برهمنوردن نظام طبیعی و در نهایت مخاطرات انسانی می‌شود. آن‌طور که از مطلب فوق هم بر می‌آید، زمانی به حوادث طبیعی، فناورانه و یا حوادث با منشأ انسانی، مخاطره اطلاق می‌شود که منجر به ایجاد تخریب و تلفات بر جماعت انسانی و سکونتگاه‌های آنها گردد و امکانات و منابع موجود محلی نیز توان مقابله با آنها را نداشته باشد (اوzi، ۱۳۹۰: ۱-۳). پانزده موضوع از مهم‌ترین مسائل جهان، به شرح ذیل شناسایی شده که در آینده از اهمیت ویژه‌ای برخوردار خواهد شد:

- ۱- رشد جمعیت جهانی-۲- کاهش آب شیرین-۳- افزایش فاصله فقیر و غنی-۴- بازگشت بیماری‌ها و میکروارگانیزم‌های مصون-۵- تضمیم‌سازی-۶- تروریسم-۷- دینامیک انسان و محیط‌زیست-۸- تغییر وضعیت زنان-۹- برخوردهای مذهبی، قومی و نژادی-۱۰- فناوری اطلاعات-۱۱- تبهکاری سازمان

طیعت وغیره، انسان با مخاطرات جدیدتری مواجه شده است؛ از جمله تخریب لایه ازن به علت افزایش گازهای گلخانه‌ای، بالا آمدن سطح آب اقیانوس‌ها، ذوب شدن یخچال‌ها و بیخهای قطبی به خاطر افزایش درجه حرارت زمین که همه این‌ها خود باعث به وجود آمدن بحران‌های انسانی همانند کمبود زمین، مشکلات کشاورزی و کمبود منابع غذایی می‌شود. بحران برنج در تایلند و شورش‌های داخلی و هرج و مرچ سیاسی در پارهای از کشورهای دیگر جهان ناشی از همین مسائل می‌باشد (اتوایل و دیگران ۱۳۸۰). همچنین زباله‌هایی را که انسان امروزی تولید می‌کند، سبب ورود گازهای متعددی در طیعت می‌شود که برای خود وی بسیار خطرناک است؛ مانند زباله‌های هسته‌ای و پخش مواد رادیواکتیو که حوادثی مانند حادثه چرنوبیل و اخیراً فوکوشیما را به وجود آورد (کتلین و شلی ۱۳۸۳) و زباله‌های شهری که شیرابه‌های بسیار خطرناک آن‌ها از جمله مخاطراتی است که در طی سال‌های اخیر حیات این کره خاکی را به خطر انداخته است؛ بنابراین اصطلاح کرده زمین به مثابة خانهٔ ما دچار چالش اساسی گردیده است. در گذشته اگر بیماری اتفاق می‌افتد در همان منطقه بود و پیشرفت زیادی نداشت؛ اما امروزه سرعت گسترش آن زیاد شده است. در این دنیایی که به آلیس در سرزمین عجایب معروف است به نظر می‌رسد که پیشرفت علم و فناوری به معنای تخریب و به خطر افتادن سلامت انسان است (بک ۱۳۸۸). از طرفی جهان به هم فشرده شده است و فشردگی زمان-فضا دهکده‌ای جهانی را به وجود آورده که انسان‌ها را در فاصله‌ای نزدیک قرار داده (گل محمدی ۱۳۸۱) و تغییر در یک مکان به معنای تغییر در مکان دیگر با سرعت و آهنگ سریع‌تری می‌باشد. درست است که این فضای جدید با توسعه، رفاه و پیشرفت بشر همراه بوده، ولی مخاطراتی رانیز با خود در پی داشته است. رشد و تولید بیماری‌های جدید که در تاریخ حداقل کم سابقه بوده است از جمله مخاطرات جدیدی است که هزینه اقتصادی، اجتماعی و پیامدهای سیاسی را به دنبال داشته است؛ به دلیل افزایش و تسهیل ارتباطات، بیماری‌های خطرناک مثل جنون گاوی، سارس، آنفلوانزای خنکی، باکتری خیار وغیره به آسانی در زمان کوتاهی در سراسر جهان پخش می‌شود. خاطرنشان می‌شود که بیماری ایدز بحران اصلی جهان می‌باشد. بیماری ایدز، جنون گاوی، سارس، آنفلوانزا‌های مرغی و خوکی نوع جدید بیماری‌ها هستند که ناشی از تغییر شیوه‌های زندگی بشر به دلیل حذف کنترل و محدودیت‌های اخلاقی و ایمانی بر روایت اجتماعی آن‌ها، تغییرات در سبک زندگی، پیشرفت‌ها در تولید مواد غذایی- که به دلیل کاربرد روش‌های

یافته ۱۲- رشد اقتصادی ۱۳- نیروگاه‌های اتمی فرسوده ۱۴- فراگیر شدن بیماری ایدز ۱۵- تغییر طبیعت کار (پوراحمد، ۱۳۸۶: ۲۱۳-۲۱۴).

با کمک گرفتن از تعابیر بلیغ قرآن کریم، «مخاطره» را هر چیزی می‌توان دانست که به نحو بالقوه و بالفعل «جسم و جان و محصول تلاش انسان‌ها را به خطر می‌اندازد»، «مُحَلِّكُ الْحَرَثَ وَ النَّسْلَ» که شامل فساد و افساد در زمین خدا و خونریزی به تابع نیز می‌شود: «مَنْ يُفْسِدُ فِي هَا وَيَسْفِكُ الْإِيمَاءَ» (بقره ۲۰۵ و ۳۱). بدیهی است که مقدمه این گونه مخاطره آمیزی از ناحیه انسان‌ها چیزی جز خروج از بندگی و عبودیت یا طغیان ورزی اولاد آدم: «أَذْهَبْ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى» (نازعات ۱۷)، استبداد رأی و خودبرترینی بعضی از رهبران مستبد و ناآگاه جوامع بشمری: «فَالْفَرِعَوْنُ مَا أَرْكَمَ إِلَّا مَا أَرْأَى» (غافر ۲۹)، کژفهمی از دین خدا و خراب کردن دنیای مردم به بهانه ساختن آخرت از طریق حرام اعلام کردن لذت‌ها و شادی‌ها و زینت‌های صواب دنیوی: «قُلْ مَنْ حَرَمَ زِيَّةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ» (اعراف ۳۲)، افراط در دنیا گروی و سرمستی از لذات دنیوی: «وَنَرَهُمْ فِي طُلَيَّاتِكُمْ يَعْمَهُونَ» و بالآخره خروج از اعتدال و میانه روی و پیش گرفتن راه افراط و تفریط: «فَالَّوَّا يَا حَسَرَتَنَا عَلَى مَا فَرَطْنَا فِيهَا» (انعام ۱۱۰ و ۳۱) و اسراف و تبذیر: «فِرَعَوْنَ إِنَّهُ كَانَ عَالِيًّا مِنَ الْمُسَرِّفِينَ» (دخان ۳۱) نیست.

از این امور انسانی و روحانی که بگذریم یک سلسله مخاطرات پیش روی بشر وجود داشته است یا بازهم بر میزان آن افروده می‌شود که مربوط به دستاوردهای عجیب و غریب علم و فناوری است؛ از مخاطرات فناوری‌های نوین اطلاعات گرفته تا پیشرفت‌های محیر العقول اتمی و شبیه سازی و اخیراً هم علوم شناختی که بشر را قادر به خواندن مغز و افکار دیگران و بلکه هدایت مغز آنان می‌سازد (گواهی، ۱۳۹۳: ۲-۳).

جهانی که ما در آن زندگی می‌کنیم نسبت به گذشته بسیار خطروناک‌تر شده است؛ زیرا در گذشته تعداد جمعیت به نحوی در رابطه با محیط‌زیست متعادل بود و در واقع بین جمعیت و منابع در دسترس بشر تعادل وجود داشت؛ آلودگی در طبیعت ایجاد نمی‌شد یا اگر ایجاد می‌شد به خاطر ظرفیت خود اصلاحی آن پس از مدت کوتاهی برطرف می‌شد؛ اما امروزه با توسعه علم انسان و پیشرفت فناوری و افزایش جمعیت بر بحران محیط‌زیست افزوده می‌شود (عسگری، ۱۳۸۹). روزی‌روز بر میزان جمعیت اضافه می‌شود و مصرف منابع تجدید ناپذیر افزایش می‌یابد. امروزه به دلیل پیشرفت فناوری، آلودگی‌های

چهار و نیم میلیارد نفر بود و در ۱۹۸۷ از ۵ میلیارد نفر عبور کرد؛ در حالی که از ابتدای تاریخ تا سال ۱۶۵۰ جمعیت جهان به یک میلیارد رسیده بود، طی دهه ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ فقط ۱۲ سال زمان نیاز بود تا همان مقدار به جمعیت جهان افزوده شود. به نظر می‌رسد که جمعیت جهان به ۸ میلیارد نفر در طی سالیان نزدیک، خواهد رسید (جغرافی گوهر، ۱۳۸۲: ۲). در حال حاضر، مدت زمان ۵۰ سال برای دو برابر شدن جمعیت جهان همچنان رقم ثبت شده‌ای خواهد بود.

از دیاد جمعیت فرایندی کاملاً عادی است؛ ولی نقاط پر جمعیت جهان بیشتر به کشورهای در حال توسعه اقتصادی دارد که از منابع غنی برخوردار نبوده و دچار مشکلات عدیده اقتصادی هستند. سه چهارم جمعیت جهان در کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافرته زندگی می‌کنند و افزایش جمعیت در این کشورها از نرخ بسیار بالایی برخوردار است. توزیع جمعیت ۹۰ در سطح کره زمین انتباخت کامل با پدیده‌های طبیعی ندارد. درصد جمعیت جهان، ۱۰ درصد از سطح کره زمین را اشغال کرده‌اند. نبود منابع، کمبود امکانات و فضای کافی در مناطق پر جمعیت جهان تنش‌هایی را به دنبال دارد که در بعضی از نقاط به درگیری‌های قومی و منطقه‌ای منجر می‌شود.

مشکلات زیستمحیطی، بازگشت بیماری‌ها، ظهور بیماری‌های جدید، فراشهرنشینی و آلوگری هوای منتج از آن، زاغه‌نشینی، مشکلات امنیتی، بهداشتی، جنایی، جدایی گزینی و درگیری‌های قومی در شهرها مشکلات جدیدی را به وجود آورده است که این امر به افزایش جمعیت و هجوم به حلی آبادها بر می‌گردد. با این روند جمعیت جهان به ۱۰ میلیارد نفر کاهش داشته باشد طی دو قرن آینده، جمعیت کره زمین بین ۱۱ تا ۱۳ میلیارد نفر خواهد بود (شوتار، ۱۳۸۶: ۹۶-۸۷).

رشد جمعیت برای بسیاری از کشورها نگران کننده است و تهیه مواد غذایی و آب آشامیدنی از مشکلات اولیه می‌باشد. تولید مواد غذایی به افزایش تولیدات کشاورزی می‌انجامد که آثار منفی و بدی بر محیط‌زیست باقی می‌گذارد. فرسایش خاک به دلیل قطع درختان، و جین کردن، کود دهی و استفاده بیش از حد از خاک اتفاق می‌افتد و منابع آب شیرین به دلیل استفاده خارج از حد مجاز تهدید می‌گردد. از بین رفتار برخی از حیوانات و ظهور بیماری‌های واگیردار به دلیل تغییرات در شیوه زندگی انسان‌ها به وجود خواهد آمد. پیشرفت و توسعه صنایع به آلوگری و نابودی محیط می‌انجامد.

تولید غیرطبیعی بعد از دوره مدرنیسم، علم و فناوری است. این‌ها، همه بشر را بحران‌های جدیدی نسبت به گذشته مواجه کرده و زمینه ایجاد مخاطرات را فراهم نموده است.

روش تحقیق

روش تحقیق مورد نظر در این مقاله تحلیلی - توصیفی است. پژوهش از نظر ماهیت بنیادی است و هدف مطالعه مخاطرات و مشکلات پیش روی بشر و تأکید و بازنمایی آن‌ها است، به عبارتی، جغرافیای سیاسی باید به دنبال رویکرد حل مسئله برود به گونه‌ای که قادر به درک، شناسایی و حل مشکلات و بحران‌های عظیمی که در پیش رویش قرار دارد، باشد؛ در اینجاست که کاربرد در جغرافیای سیاسی مطرح می‌گردد و از نوع کارکردی که در گذشته در خدمت به استعمار، جنگ و منافع کشورها قرار داشت تغییر جهت داده و در خدمت بشریت و کره زمین به مثابة خانه وی درآید.

یافته‌های تحقیق

امروزه، محیط کره زمین بحران‌های جهانی و بزرگ مقیاسی را به خود می‌بیند که در گذشته کمتر شاهد آن بوده است. اغلب این گونه مخاطرات مداخل، جهانی و به هم وابسته هستند و سیاره زمین را به مثابة خانه ما تهدید می‌کنند. سیاره‌ای که همتایی دیگر در کیهان ندارد و یا حداقل برای ما انسان‌ها شناخته شده نیست. این مخاطرات صرفاً بر روی کاغذ مطرح نیست بلکه ما در زندگی خود، آن‌ها را به صورت واقعیتی ملموس، درک می‌کنیم.

امروزه، وظیفه همه مابه عنوان یک انسان این است که محیط‌زیست خود را حداقل به حالت طبیعی و عادی که در چند دهه قبل وجود داشته است، بازگردانیم؛ بازگشتی که دیگر به معنای رکود نیست بلکه این بازگشت دقیقاً به معنای توسعه است. برخی از مهم‌ترین مخاطرات جهانی به شرح ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرند:

افزایش جمعیت

هرگز در طی تاریخ بشر، این اندازه انسان وجود نداشته است تا فضاهای قابل سکونت را پر نماید و هرگز جمعیت جهان به این میزان رشد سریع نداشته است. در سال ۱۹۷۵ جمعیت جهان به ۴ میلیارد نفر رسید، این تعداد در ۱۹۸۱

جدول ۱. جمعیت جهان، ایران و مناطق منتخب طی سال‌های ۲۰۵۰-۱۹۵۰ (هزار نفر) (World Population Prospects: The 2006 Revision)

۲۰۵۰	۲۰۲۵	۲۰۰۰	۱۹۷۵	۱۹۵۰	شرح
۹۱۹۱۲۸۷	۸۰۱۰۵۰۹	۶۱۲۴۱۲۳	۴۰۷۶۰۸۰	۲۵۳۵۰۹۳	جهان
۱۲۴۵۲۴۷	۱۲۵۸۹۷۰	۱۱۹۴۱۹۹	۱۰۴۸۱۰۴	۸۱۳۵۶۱	کشورهای بیشتر توسعه یافته
۷۹۴۶۰۴۰	۶۷۵۱۵۴۰	۴۹۲۹۹۲۴	۳۰۲۷۹۷۷	۱۷۲۱۵۳۲	کشورهای کمتر توسعه یافته
۵۲۶۵۸۹۵	۴۷۷۸۹۸۸	۳۷۰۴۸۳۸	۲۳۹۳۶۴۳	۱۴۱۰۶۴۹	آسیا
۱۰۰۱۷۴	۸۸۰۲۷	۶۴۲۰۳۵	۳۳۳۴۴	۱۶۹۱۳	ایران

توسعه یعنی $1/3$ میلیارد نفر زیر خط فقر زندگی می‌کنند. میزان مرگ و میر کودکان 350 در هر صد هزار تولد زنده می‌باشد که نه برابر کشورهای صنعتی پیش‌رفته است (کیلی و مارفلیت، ۱۳۸۴: ۲). از دهه 1970 ، در نتیجه تحولات گسترده اقتصادی، مفاهیم موجود در مورد جهان اول، دوم و سوم چار تغییر شد و زمینه ایجاد مفهومی جدید به نام شمال و جنوب براساس نابرابری‌های فقیر و غنی فراهم شد (مجتبه‌زاده، ۱۳۸۵: ۸۶). روابط شمال و جنوب در فرایندها و بررسی‌های ژئوپلیتیکی جهان نیز از مباحث اصلی است؛ بنابراین در جهانی که جریانات، سرعت، انتشار و عدم آینده‌نگری و غیر قابل پیش‌بینی بودن از ویژگی‌های آن است، حکایت دیگری وجود دارد که در استمرار تاریخ- یعنی داستان‌های تکراری از فقر، نابرابری و محرومیت و تخریب محیط زیست- شاهد آن بوده‌ایم.

برای مثال نابرابری‌های جهانی درآمد مالی در قرن بیستم بیش از هر زمان دیگری است، این حقیقت نشان می‌دهد که فاصله بین درآمد ثروتمندترین و فقیرترین کشورها از حدود 3 به 1 در 1950 ، 44 به 1 در 1970 و 72 به 1 در 1992 در حال تغییر بوده است (UNDP, 2000).

در ارتباط با فقر و محرومیت گزارش توسعه انسانی ملل متحده برای سال 2002 حاکی از آن بود که $2/8$ میلیارد انسان هنوز با کمتر از 2 دلار در روز زندگی می‌کنند (UNDP, 2002: 2). در سال 2000 در کشورهای جهان سوم بیش از یک میلیارد نفر دسترسی به آب سالم نداشته و بیش از $3/4$ میلیارد نفر به بهداشت مناسب دسترسی نداشتند (UNDP, 2000). اطلاعات گرسنگی یا درجه تغذیه در جهان می‌تواند در تحقیقات فائق در ابتدای دهه 1990 بیانگر حقایقی باشد: در آن زمان از سوء تغذیه رنج می‌بردند 92 میلیون نفر و تقریباً یک ششم جمعیت جهان در آن زمان از سوء تغذیه تغذیه رنج می‌بردند ($90-92$ م) که البته در 1996 اندکی افزایش یافت (Sutcliffe, 2001: 48).

گرسنگی و سوء تغذیه بدترین دشمنان بشر هستند. آنها توان‌های بالقوه کودکان و نوزادان را برای شکوفایی درونی و

رشد جمعیت در کشورها مشکلات اشتغال را به دنبال دارد که زندگی شهرنشینی را تقویت و سنت‌های اجتماعی را تضعیف و تنش‌های جدیدی را در جامعه و به خصوص در بین جوانان رواج می‌دهد.

همچنین، افزایش جمعیت می‌تواند منجر به افزایش میزان تخریب محیط‌زیست در نواحی روستایی به خصوص در کشورهای توسعه یافته و تأثیرات گوناگون دیگری در تمام حوزه‌های زندگی انسان به دنبال داشته باشد (Glassner, 2004): اما باید خاطر نشان ساخت مشکل جمعیت در ارتباط با توسعه است یعنی موضوع اصلی توسعه است و نه کنترل جمعیت. در این رابطه باید بیشتر به نابرابری‌ها، نبود عدالت، بیکاری، توسعه‌نیافتگی و روابط نابرابر بین کشورهای شمال و جنوب توجه نمود (پایلی بزدی و ابراهیمی، ۱۳۸۷: ۱۵۱).

افزایش جمعیت باعث ایجاد جنگ می‌شود؛ مثلاً برخی افراد همانند پل ارلیچ نویسنده کتاب بمب جمعیتی براین باورند که سرزمین بار دیگر اهمیت خواهد یافت. استدلال آن‌ها این است که منابع نفت به انتهای خواهد رسید؛ وسعت زمین‌های حاصلخیز کاسته خواهد شد؛ منابع آب خواهد خشکید؛ شمار جمعیت نسبت به تأمین منابع طبیعی، محیط‌زیست مناسب، سالم و مواد غذایی افزایش خواهد داشت. این فرایندها جهان را به وضعیت سده‌های هجدهم و نوزدهم بازخواهد گرداند و برخورد و درگیری‌های مختلف بار دیگر منشأ بروز ستیزها خواهد شد (سجادپور، ۱۳۹۱: ۱۳۸۱).

شکاف فقیر و غنی

این وضعیت متأسفانه شکل اصلی چشم‌انداز امروزی جهان را معرفی می‌کند (Glassner, 2004). در آغاز دهه 1990 ، اکثر مردم جنوب صحرای آفریقا فقیرتر از 30 سال بیش بودند. تقریباً 800 میلیون نفر به غذای کافی دسترسی ندارند و حدود 500 میلیون نفر از آنان از سوء تغذیه رنج می‌برند. حدود یک سوم از جمعیت کشورهای در حال

این بحث که بشریت به صورت جمعی چهره سیاره زمین را تغییر داده است و نظامهای زیستی را در معرض خطر قرار می‌دهد، از جنگ جهانی دوم به بعد به یکی از موضوعات وسیع نگرانی بشر تبدیل شده است. اخیراً این نوع مشکلات جهانی و امنیت جهانی تبدیل به بخشی از ژئوپلیتیک شده است (Günter Brauch, 2003: 77).

گسترش اقتصاد جهانی و مصرف‌گرایی فوق العاده جوامع بشری همراه با عدم توازن تولید، توزیع و مصرف منابع اقتصادی از سویی، توسعه و رشد جمعیت همراه با الگوی پخش نامتعادل و شیوه‌های ناصحیح تعامل انسان با محیط جغرافیایی از سوی دیگر، سبب شده تا زیستگاه اینسان بشر در سطوح جهانی، منطقه‌ای، ملی و محلی دستخوش مخاطره گردد. این مخاطرات در سه بعد کاهش و کمبود منابع، تخریب منابع و بالاخره آلودگی محیط‌زیست تجلی پیدا کرده است (حافظنی، ۱۳۸۵: ۸۶).

در این زمینه دو دسته از مخاطرات قابل شناسایی هستند. یک دسته مخاطرات محیطی هستند همانند آلودگی، باران اسیدی، تشدید شرایط گلخانه‌ای، تخریب لایه ازن، دفن پسماندهای خطرناک در عرض‌های بالا و دسته دیگر مربوط به منابع محیطی هستند؛ همانند ماهیگیری زیاد و تهی شدن منابع آن، شکار نهنگ، تجارت گونه‌های در معرض خطر، تغییر مسیرهای آب رودخانه‌های بین‌المللی و غیره. تهدیدات جدیدی جهان ما را مورد مخاطره قرار داده است. بازگشت طاعون، بیوتوریسم، تخریب محیط‌زیست، تغییرات آب و هوایی، تشعشعات رادیواکتیو، سوراخ شدن لایه ازن، تخریب گونه‌های حیاتی و پوشش گیاهی، نابودی جنگل‌های استوایی، خشونت بر سر منابع و منازعه برای الماس و بهره‌برداری بی‌رویه در قلمروی بندهای زیستی نظیر آب، خاک، فضای محدود، انرژی و غیره از آن جمله است. برخی از این مخاطرات به صورت آشکار ناشی از فناوری هستند؛ پاره‌ای دیگر هر چند به صورت طبیعی ظاهر می‌شوند؛ که شاید ترسناک‌ترین آن‌ها بیماری‌هایی است که به صورت یک سلاح مورد استفاده قرار گرفته‌اند؛ مانند باکتری‌های تغییر شکل داده از نظر ژنتیکی، اسلحه‌هایی به نام سیاه زخم و بمبهای کیف که همه بخشی از ترس‌های ژئوپلیتیکی در عصر حاضر هستند. اکثر آن‌ها دارای جغرافیای مبهم و غیردقیقی هستند؛ برخی موقع نقشه آن‌ها تهیه می‌شود؛ اما همیشه به مثابه تهدیداتی درک می‌گردند که خارج از مکان بوده و رفاه ما در فضاهای داخلی امن و مناسب برای زندگی تهدید می‌کند. این دستورالعملی جدید برای امنیت

ژنتیکی از بین می‌برند. رهایی از گرسنگی اولین خواسته برای امنیت انسانی پایدار است. این امر به بهره‌وری، سودهای و پایداری کشاورزی بستگی دارد؛ بنابراین اگر غذا و سیاست‌های تغذیه بدتر شود، هیچ چیز دیگر نمی‌تواند شانس بهتر شدن آن را فراهم سازد. گزارش‌های سالانه بروشده بحران گرسنگی و سوء تغذیه تاکید دارند. کشاورزان خرد پا که نصف غذای جهان را تولید می‌کنند، خود شب‌ها گرسنه می‌خوابند. میلیون‌ها بچه از تأثیرات برگشته تا پذیر تغذیه نامناسب رنج می‌برند. نامنی غذایی روزافروز در هر جا آسیب‌پذیری قیمت‌های غذایی را تجربه می‌کند (World Disasters Report, 2011). افزایش فقر و گرسنگی فشارها را بر محیط‌زیست و طبیعت دوچندان کرده و به آسیب و تخریب هرچه بیشتر محیط‌زیست می‌انجامد.

محیط‌زیست

پس از پایان جنگ سرد و سقوط شوروی سابق، تغییری در مفهوم امنیت با توجه به سایر تهدیدات ژئوپلیتیکی به وجود آمده است. مدام از پدیده‌ها و جریان‌هایی صحبت می‌شود که شکل دهنده تهدیدات امنیتی جوامع بوده است؛ نگرانی‌ها در مورد امنیت محیطی و منازعات بر سر منابع، زمینه ایجاد ادبیات علمی وسیع، انفجار بحث‌های سیاسی و جذب افکار عمومی در این خصوص شده است (O'Lear, 2007: 2).

در رابطه با پیوند بین ژئوپلیتیک و تغییرات محیطی، مهم است تا پیوند ساده‌ای را برای این دو پدیده فرض کنیم (Murphy and Homme, no date: 2). امروزه، نگرانی‌های محیطی بخش مهمی از بحث‌های امنیت جهانی در آمریکای شمالی و اروپا را به خود اختصاص داده است. این موضوعات تحت هر عنوانی مثلاً امنیت زیست‌محیطی، یا به مثابه بخشی از دستورالعمل‌های مربوط به امنیت انسانی فرآگیر، یا به شکل بخشی از تهدیدات جدید جهانی، بخشی از معادلات سیاست بین‌الملل و بخشی از بحث‌های دانشگاهی در روابط بین‌الملل هستند. امکان جنگ، جهت دسترسی به منابع کمیاب و محیط‌های دست‌نخورده از این بحث‌ها استخراج می‌گردد و میزان قابل توجهی از تحقیقات علمی در این جهت ساماندهی می‌گردد. علی‌رغم توجهات اخیر به دخالت‌های انسان گرایانه، استراتژی‌های منازعه و موضوعات زیست‌محیطی مهم باقی مانده است (Dalby, 2002: xvi). دالبی در این زمینه از مشکلات ژئوپلیتیک زیست‌محیطی و اکولوژی سیاسی بحث می‌کند و نتیجه می‌گیرد که نگرانی درباره محیط جهانی، نیازمند تفکر در مورد موضوعاتی است که فراتر از مقیاس حکومت می‌باشد (Günter Brauch, 2003: 74).

و ملت هم زمان تأثیر می‌گذارند و مشکلات محلی که نتایج کلی اخلاقی، مالی، زیبایی‌شناختی، سلامتی و غیره برای سایر کشورها به همراه داشتند. ما در جهانی زندگی می‌کنیم که ژئوپلیتیک محیط‌زیست بخشی از نظم بین‌المللی بزرگ‌تری است که به آهستگی در حال جا باز کردن و مستحکم نمودن خویش است (Castree, 2008: 424).

یک پدیده جدید از نامنی که با سرعت زیادی در حال رشد است، خشونت اکولوژیکی نامیده می‌شود. این گونه جنگ اکولوژیکی در تعامل بین فرهنگ و فناوری انسان با طبیعت اتفاق می‌افتد (Asthaa, 1992: 99). جنگ‌های بیولوژیکی نیز وجود دارد. برخی از کشورها همانند ایالات متحده در حدود ۶/۷ میلیارد دلار در زمان بوش هزینه کرده‌اند تا شهر و ندانشان را در مقابل تهدیدات توسط کشورهای دشمن محافظت نمایند. حتی این مسئله در زمان شوروی سابق نیز وجود داشته است. تغییرات در مهندسی ژنتیک، استفاده از بیماری‌هایی مانند سیاه‌زخم، میکروب‌ها و غیره به صورت یک سلاح، از جمله مخاطراتی است که توسط انسان و برای اهداف سیاسی به بشریت لطمeh وارد می‌سازد. ایجاد بیماری‌های جدید، مقاوم‌سازی میکروب‌ها، ویروس‌ها و بیوتوریسم، تهدیداتی از آن جمله به شمار می‌روند (Tuathail, Dalby & Routledge, 2006: 178).

یافته‌های موجود در مورد کشور ما گویای آن هستند که محیط‌زیست کشور در بسیاری از مناطق به‌ویژه در پیرامون کلان شهرها، توانش اکولوژیک خود را از دست داده و به صورت فرایندهای شکننده شده است و بهبود آن هم در کوتاه مدت ناشدنی است به گونه‌ای که اگر فروساخی محیط‌زیست کشور را بزرگ‌ترین عامل تهدید کننده امنیت کشور بدانیم به گزاف نرفتایم. برای نمونه بیش از ۸۵ درصد آب‌های زیرزمینی کشور مصرف شده و به پایان رسیده‌اند. این در حالی است حداقل باید ۴۰ درصد از این توانش آبی استفاده می‌شود؛ به دیگر سخن، دیگر آبی وجود ندارد. پیامدهای این وضعیت، دست کم طی دو دهه گذشته فرونشست زمین، کوچ روستاییان به شهرها و افزایش تنشهای اجتماعی آب پایه بوده است. به یاد داشته باشیم که یکی از رخدادهای یاد شده، کارکردی زنجیره وار دارند و خود می‌توانند خاستگاه تنگناها و پریشانی‌های دیگر شوند. وضعیتی که با توجه به دگرگونی‌های اقلیمی و تغییر الگوی بارش در آینده نزدیک نیز بر پیامدها و سویه‌های آن افروده خواهد شد. یافته‌های موجود گویای آن هستند که در قالب برنامه ششم قرار است همه طرح‌ها

جهانی در عصر ترور ژئوپلیتیکی و اضطراب زیستی است (0). (Tuathail, Dalby & Routledge, 2006: 177)

همچنین، نگرانی‌های گسترده‌ای در این زمینه که مثلاً تخریب محیط‌زیست ممکن است باعث ایجاد میلیون‌ها نفر آواره محیطی گردد؛ آلودگی و تخریب لایه ازن، بیماری‌ها در شهرهای کشورهای جنوب، ترس مبهم از تروریسم به این نگرانی‌ها اضافه شده و بیان می‌کند که ما در جهانی زندگی می‌کنیم که با تهدیدات جهانی و پیچیده‌ای رویه رو است (Tuathail, Dalby and Routledge, 2006: 178). نگرانی‌های فراوان‌تری نیز در مورد امکان منازعات مسلحانه بر سر منابع آب به صورت بین‌المللی وجود دارد که این منابع با وسعت زیادی به‌وسیله جمیعت‌های پر از دحام شهری و صنعتی به صورت مستقیم یا آبیاری برای محصولات غذایی استفاده می‌شود. تغییرات آب و هوایی به مثابه نتیجه‌ای از فعالیت‌های انسانی ممکن است به پیامدهای سیاسی و مشکلات کشاورزی منجر گردد.

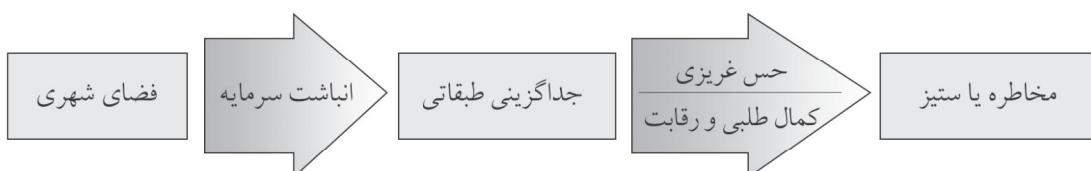
به علاوه، حکومت‌ها و گروه‌های تروریستی ای وجود دارند که به صورت علمی به پیشرفت روش‌های خططناک بیولوژیک کمک کرده و از این روش‌ها به عنوان سلاح علیه کشورهای دیگر استفاده می‌نمایند و جنگ بیولوژیک را به وجود می‌آورند (Tucker, 2006: 217).

بنابراین با توجه به اهمیت بنیادهای زیستی، منابع، سرمایه‌های طبیعی و انسانی و ضرورت حفظ تعادل‌های اکولوژیک در توسعه پایدار و ارتباط تنگناهای آن با مسائل امنیتی، سیاسی و رقابت و سیزگروه‌های انسانی و بازیگران سیاسی به‌ویژه دولتها، به نظر می‌رسد این گرایش در ژئوپلیتیک تحت عنوان «ژئوپلیتیک زیست‌محیطی» بیش از پیش گسترش پیدا می‌کند (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۸۶)؛ یعنی در جهانی که پیوندهای اکولوژیکی کشورها نسبت به هر زمان دیگری در تاریخ جدید آشکار و روشن است، این مشکلات به مثابه اصول نظم دهنده جدیدی هستند که ممکن است ژئوپلیتیک زیست‌محیطی پس از جنگ سرد نام کیرد. از دهه ۱۹۹۰ مشکلات و مسائل زیست‌محیطی جهانی شد و با گسترش جغرافیایی، شدت و سرعت پخش مواجه شدند؛ به عبارت دیگر، مشکلات محیطی به مشکلات جهانی تبدیل شده است. چیزی که حکومت‌ها مجبور به مواجهه با آن بودند دو طبقه وسیع از مشکلات محیطی بود؛ اول مشکلات محیطی فراملی مانند گرم شدن گلخانه‌ای زمین که این مشکلات جهانی یا بین‌المللی بوده و بر چند دولت

والایی داشته است. امروزه اکثر فعالیت‌های انسانی در شهرها انجام می‌شود و روابط بین انسان‌ها، نواحی، کشورها در قالب شهرها امکان‌پذیر است و آثار فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و... را در جهانی بسیار پیچیده به دنبال دارد. به رغم تمام نتایج مثبت و آثار فراوان برای بشر در قرن حاضر، شهرنشینی و شهر گردایی برای وی آثار منفی فراوانی را نیز به دنبال داشته است. بخش عظیمی از مخاطرات انسانی که تولید می‌شود در محیط‌هایی به وجود آمده است که توسط انسان دست‌کاری شده است. فضای شهری اغلب به دلیل دوری انسان از طبیعت که آرامش زا است باعث شده تا

پیوست زیستمحیطی داشته باشد تا این پس در طرح‌ها و پژوهش‌های بزرگ تولیدی، خدماتی و عمرانی آسیب نبیند. بر بنیاد تعریف ژئوپلیتیک یا جغرافیای سیاسی به عنوان علمی که «ابعاد سیاسی فضای جغرافیایی در قالب گُش متقابل مناسبات قدرت (در ابعاد هم‌زیستی، هماوردی، کشمکش، تنش و جنگ) با قلمرو (فضا و سرزمین) و قلمرومندی (قلمرو خواهی، قلمرو سازی و قلمروداری) سازه‌های انسانی را مطالعه می‌کند» بخش کلانی از «بحران محیط‌زیست» و «امنیت محیط‌زیست» کشور، سرشت و کارکردی ژئوپلیتیک دارد. عرصهٔ یاد شده گواه بر رخصاره کاربردی این دانش است که می‌تواند در شکل

فلسفه ظهور مخاطره در فضای شهری



برای وی نوعی افسردگی ایجاد شود. در شهرها، واقعاً جای خالی آرامش احساس می‌شود. ترافیک، زندگی ماشینی، دود و آلودگی، عدم وجود چشم‌اندازهای طبیعی و غلبهٔ محیط انسان ساخت بشر را با مجموعه از مشکلات و مخاطرات رو به رو کرده است.

از حیث فرهنگی در چنین فضایی فرد حسابگر، سود جو، خشک و مستعد فروغتیدن به سوی مخاطرات انسانی خواهد گردید. از این جهت شهرها به ویژه شهرهای بزرگ خاستگاه جغرافیایی پیدایش ستیز انسانی می‌باشد. به عنوان نمونه، این خلدون معتقد بود که در فرهنگ شهرنشینی ویژگی‌هایی نظری تجمل خواهی، گرایش به دنیا و شهوات مادی، نرم خوبی و مواردی از این دست حادث می‌باشد که تماماً شامل اثرات منفی زندگی شهری می‌باشد» (لشگری تفرشی، ۱۳۹۴: ۱۰۷).

همچنان، خود شهرنشینی یا به عبارت بهتر فراشهرنشینی مخاطره‌ای عظیم برای بشر در جهان و در آینده پیش رو است که آثار منفی فراوانی را به دنبال خواهد داشت. مخاطرات زیست‌محیطی، مخاطرات اجتماعی، مخاطرات فرهنگی و سایر جنبه‌های مخاطره اغلب در شهرها روی می‌دهد.

یکی از پدیده‌های مهم جهان در این عصر، شهرنشینی است که در تمام نقاط جهان متجلی شده و در سال ۲۰۰۴ آمار سازمان ملل متحد ۵۳ درصد ساکنان کره زمین در شهرها

سند ملی و راهبردی به واکاوی و راهکار دهی برای «بحران محیط‌زیست» و «امنیت محیط‌زیست» در قالب مقیاس‌های فروملی، ملی و فراملی بپردازد. در قالب رویکرد ژئوپلیتیک محیط‌زیست، وجود سه متغیر گُش متقابل مناسبات قدرت، قلمرو و قلمرومندی، مسائل و رویدادهای جغرافیای سیاسی یا ژئوپلیتیک در مقیاس خرد تا کلان (فرومی تا جهانی) از رخدادها و مسائل رشته‌های محیط‌زیستی و حتی علوم همسایه (علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و جامعه‌شناسی) متمایز می‌شود. بر بنیاد چنین رویکردی، جغرافی دانان سیاسی کشور می‌توانند خواستار همکاری با سازمان‌ها و نهادهای درگیر در «بحران محیط‌زیست» و «امنیت محیط‌زیست» دست کم در دو مقیاس فروملی و ملی شوند و یکوشند در قالب طرح مفهوم «پیوست ژئوپلیتیک طرح‌های عمرانی» مانع از فروساپی و نابودی فراینده محیط‌زیست و بنیادهای زیستی کشور شوند و توانمندی علم خود را به آگاهی دست‌اندرکاران و گردانندگان کشور برسانند (کاویانی راد، ۱۳۹۵).

弗راشهرنشینی

شهر، آخرین و بزرگ‌ترین دستاورده بشر و شاهکار وی است. معیار و نشانه‌ای از تمدن و پیشرفت انسان است. شهر در توسعه و پیشرفت بشر در حوزه‌های مختلف علمی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و هنری، اقتصادی، صنعتی، معماری و زیباشناصی و بسیاری از موارد دیگر جایگاه

بر امکان شیوع بیماری‌های خطرناکی نظری سل و سایر امراض تنفسی از مهم‌ترین تأثیراتی زیست‌محیطی است که افزایش جمعیت شهرها و بروز پدیده حاشیه‌نشینی در آن‌ها را به دنبال دارد (رضوانی گیلکلاهی، ۱۳۷۲: ۳۲-۲۸).

تجزیه و تحلیل

بشر امروزه با حجم عظیمی از مخاطرات و جرایم در حوزه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی رویرو می‌باشد. از جرایمی نظری قتل، دزدی، ضرب و جرح، جعل اسناد، اختلاس، زنا، قمار، تخریب محیط‌زیست، جنگ و درگیری، ظهور افراط‌گرایی وغیره در بخش‌های گوناگون و در سراسر دنیا بحث می‌گردد. این گونه مسائل در طی تاریخ بی‌سابقه بوده است و انسان در حال حاضر با دنیای جدیدی از جهت مخاطرات در مقیاس‌های گوناگون مواجه است. مثال‌های ذکر شده در رابطه با مخاطرات فضای زندگی انسان‌ها را با یأس و نامیدی مواجه ساخته و آینده‌های نامطمئن و نامید کننده را نشان می‌دهد. از مجموع بحث‌های ارائه شده می‌توان مطالب زیر را به صورت مشخص بیان نمود:

حجم مخاطرات انسانی بیش از مخاطرات طبیعی بوده و برخلاف آن، خارج از چرخه سیستم طبیعت عمل می‌کنند؛ یعنی مخاطرات طبیعی بخشی از چرخه طبیعی بوده و خلیلی به سیستم طبیعی وارد نمی‌کنند. میزان تولید مخاطرات انسانی من‌جمله مخاطرات زیست‌محیطی به مقدار بی‌سابقه‌ای در تاریخ حیات بشر رسیده است.

بخش اعظم مخاطرات ریشه انسانی دارد؛ حتی به دلیل دست‌کاری‌های مصنوعی و انسانی در مناطق آسیب‌پذیر همانند گسل‌ها، دامنه کوه‌ها، حاشیه رودها و... این نوع مخاطرات بیش از حالت طبیعی روی می‌دهند. با این وجود، انسان به دلایل خاصی زمینه تخریب، فرسایش، بحران، آسیب، آلودگی، خطر، تهدید و بهطور کلی مخاطرات، همان‌طور که در قرآن از آن با فساد نام برده شده را ایجاد کرده است.

مکاتب زیادی به بشر عرضه شده است و این نوع از مکاتب و ایدئولوژی‌های انسانی با توجه به محدودیت‌های دنیوی و مادی شدن آن‌ها، زمینه مخاطرات را به وجود آورده‌اند. به عبارتی، به اندازه‌تامامی انسان‌ها فکر و اندیشه برای خوشبختی و توسعه و رفاه وجود دارد اما عاملیت انسانی اغلب زمینه تخریب، بحران و مخاطره را فراهم ساخته است.

ریشه بیشتر مصائب و مخاطرات انسانی تولید شده به

زندگی می‌کردند. تعداد شهرها و شهرنشینان در تمام قاره‌ها در حال افزایش است و کلان‌شهرهای زیادی در قاره‌های مختلف به وجود آمده که چندین میلیون نفر را در خود جای داده است (شوتار، ۱۳۸۶: ۹۸). جمعیت شهری با سرعت بیشتری در حال رشد است. بهویژه در کشورهای در حال توسعه که جمعیت شهری از ۱۹۵۰ تا ۱۹۹۰ پنج برابر شده و به ۱/۵ میلیارد نفر رسیده است. سازمان ملل پیش‌بینی می‌کند که این رقم، در سال ۲۰۲۵ به ۴/۴ میلیارد می‌رسد و این یعنی که جمعیت کشورهای در حال توسعه در شهرها زندگی خواهند کرد. این نکته قابل توجه است که بیشترین رشد جمعیت در جایی اتفاق می‌افتد که امکانات کمتری وجود دارد (پوراحمد، ۱۳۸۶: ۲۱۹). تعداد کلان‌شهرها در جهان در حال رشد است و این مخاطرات زیادی را برای بشر به ارمغان آورده است. بسیاری از تهدیدات انسانی در شهرها تولید می‌گردد. آلودگی هوا، سازمان‌های زیست‌بینی و مانیفایه‌های جنایت‌کار، تروریست‌ها، ترافیک شهری، بیماری‌های جسمی و روحی تنها بخشی از مشکلات و مخاطراتی است که در شهرها وجود دارند. در واقع، «آلودگی، فقر گروهی و نبود امنیت، ره آورد شهرهای پرجمعیت جهان است که شامل کشورهای شمال و جنوب شده و لی نوع آن متفاوت است» (شوتار، ۱۳۸۶: ۱۰۲).

تجاوز، سرکشی، عصیان، کلاهبرداری، سرقت، آدم‌کشی با شدت و بی‌رحمی هرچه بیشتر پدیدار می‌گردد و مردم این گونه جوامع را وحشت‌زده و هراسناک می‌نماید تا به حدی که همه از هم می‌ترسند و یا به هم اعتماد ندارند. وقایع خونین و مرگبار هر روز بیشتر می‌شود، در حالی که اکثر مردم جوامع امروزی نسبت به گذشته از آموزش‌های جدید، بیشتر برخوردارند، پس باید کمتر مرتكب چنین اعمال غیر انسانی شوند. هر روز تجاوز به حقوق فردی و اجتماعی مردم بیشتر می‌شود. فرزند کشی، همسر کشی، همنوع کشی و دیگر جنایاتی که شرحشان را از جراید و رسانه‌های گروهی می‌خوانیم و می‌بینیم همه و همه نشان بی‌ثباتی اجتماعی و ضعف روابط اصول انسانی و اخلاقی است. بی‌اعتقادی و بی‌ایمانی مردم نسبت به اصول اخلاقی و انسانی که به گسترش این گونه جرایم و جنایات کمک کرده است، به این دلیل بیشتر می‌شود که به جای توجه به حیثیت انسانی به ارزش‌های مادی بیشتر توجه می‌کنند (فرجاد، ۱۳۸۳: ۱۸۵-۱۸۲).

افزایش آلودگی هوا، ازدحام جمعیتی بیش از ظرفیت محیط، فشار بر ظرفیت منابع طبیعی منطقه و سرانجام افزودن

است. متفکران و تصمیم‌گیرانی که دغدغه زیستمحیطی دارند معتقدند که ژئوپولیتیک جدید ژئواکونومیک نیست بلکه «اکوپولیتیک» یا «سیاست زیستبوم» است؛ اما جهان امروز مبتنی بر داربستی از مجموعه‌هایی مانند ژئواکونومی، ژئوپلیتیکی، امنیت انسانی، امنیت زیستمحیطی و غیره است و صرفاً نمی‌توان واقعی و حوادث را از دوربین ژئواستراتژی و ژئوپلیتیک تحلیل نمود.

ما نیازمند درک معادلات سیاسی-اقتصادی از رهیافت حکومت بر زمین یا ژئوگاورنس¹ می‌باشیم تا بتوانیم تهدیدات و مخاطرات انسانی-زیست محیطی را درک نموده و راه حلی اساسی برای آن بیابیم. داشتن جغرافیای سیاسی به مثابه علمی فراگیر، مدیریتی و تحلیل‌کننده در ارائه راهکارهای کاربردی در حل مشکلات و مخاطرات زیستمحیطی دارای توان بوده و می‌تواند به این جریان رویکرد حل مسئله که امروزه بشریت بیش از پیش به آن توجه دارد و باید توجه داشته باشد وارد گردد و بخشی از این بار را به دوش بکشد.

تهدیدات و مخاطراتی همانند جنگ، خشونت، تخریب محیط‌زیست، بحران‌های محیطی در عرصه‌های زیستی، جانوری، انسانی و غیره، افزایش شکاف فقیر و غنی، ظهور بیماری‌های جدید همانند ابولا و افزايش مداوم این بیماری‌ها، مهاجرت‌های بی‌رویه داخلی و بین‌المللی، بحران آب، آلودگی شهرها، شهرنشینی بی‌رویه، افسردگی و بحران‌های روحی - روانی در شهرها، تروریسم، فاچاق کالا و مواد مخدور، مافیا، جرم‌ها و آسیب‌های اجتماعی در فضای واقعی و مجازی، شبکه‌های زیرزمینی و جعل استناد، اختلاس و بسیاری از این گونه موارد امنیت سیاره ما را به مثابه خانه ما مورد چالش قرار داده است. این حجم عظیم از مخاطرات روزافزون نیاز به مدیریت و حکومت ملی را در عرصه فضای سیاسی واجب می‌کند و همین عوامل بشر را مجبور ساخته تا سازمان‌های پرقدرتی همانند حکومت‌ها که وظیفه آن‌ها حفاظت از شهریوندان خویش در مقابل تهدیدات احتمالی در عرصه داخلی و خارجی باشد - را به وجود آورند. «در این میان، امنیت از جمله نیازهای حیاتی مردم بوده تا به کمک آن رفای، نظم، عمران، توسعه و پیشرفت در میان جوامع به وجود بیاید. البته امنیت باید دارای رویکردی همه جانبه باشد و پنج مورد اقتصادی،

دست بشر، ناشی از افزایش بی‌رویه جمعیت است. جهان کنونی و پیش روی ما به مرحله انفجار جمعیتی یا براساس تعریف پل ارلیک بمب جمعیتی رسیده است. سودجویی، افزایش فقر و شکاف بین فقرا و ثروتمندان، مخاطرات زیستمحیطی و بسیاری از دیگر مخاطرات ناشی از افزایش جمعیت و عدم پاسخگویی منابع و امکانات طبیعی و انسانی به خواسته‌ها و نیازهای معقول و نامعقول انسان در این فضای پرترکم جمعیتی است.

از بعد جغرافیای سیاسی، مخاطرات طبیعی و انسانی نوعی تهدید و نامنی برای منافع، ثبات و امنیت ملی محسوب می‌شود. نکته مهم در این رابطه این است که مخاطرات امروزه جهانی شده‌اند و به مرزها و محدوده‌های ملی احترام نمی‌گذارند. مخاطرات مخصوصاً زیستمحیطی فراملی می‌باشند؛ برای درک این قضیه می‌توان به باران اسیدی بعد از جنگ خلیج فارس، ریزگردهای حال حاضر کشور ما و گرمایش زمین و سوراخ شدن لایه ازن پی برد. روندهای کنونی در رابطه با مخاطرات زیستمحیطی به قدری دارای اهمیت سیاسی - امنیتی شده است که داشتن ژئوپلیتیک زیستمحیطی به عنوان رشتة مطالعاتی جدیدی مطرح شده است. در میان ابعاد چندگانه امنیت، محیط‌زیست به اولویت اول بیشتر کشورهای جهان تبدیل شده یا باید تبدیل شود. امروزه حیات موجود در کره زمین به مثابه خانه ما به مخاطره افتاده است و دفاع، صرفاً به معنای مقابله با دشمن نیست. امنیت ملی در حال حاضر به معنای رفع تمام تهدیدها در ابعاد پنج‌گانه مخصوصاً رفع مشکلات مربوط به بحران آب، آلودگی هوا (ریزگردها و آلودگی شهرها و...)، تخریب منابع و محیط‌زیست و غیره می‌باشد.

بعد از پایان جنگ سرد، پناره‌ای ژئوپلیتیکی برای تعریف ژئوپلیتیک جدید با یکدیگر به رقابت پرداخته‌اند. برخی صاحب‌نظران فروپاشی ابرقدرت شوروی را ظهور یک نظام بین‌الملل تک قطبی می‌دانند. از نظر برخی دیگر، پایان جنگ سرد، موجب ظهور فضای سیاسی جدیدی شد که تحت سلطه پرسش‌های ژئواکونومیک و مسائل آن قرار دارد. در این دیدگاه جهانگیر شدن فعالیت‌های اقتصادی، تجارت، سرمایه، کالاها و افول حاکمیت کشورها مورد نظر است. برخی دیگر ژئوپلیتیک جدید جهانی را این گونه توصیف می‌کنند که جهان دیگر مثل گذشته تحت تأثیر مناقشات سرزمینی میان قطب‌های در حال مسابقه نیست بلکه متأثر از مسائل فراملیتی جدید مانند تروریسم، گسترش هسته‌ای و برخورد تمدن‌ها

بِمَا كَسَبْتُ أَيْدِي النَّاسِ»: فساد در روی زمین و به دست انسان آشکار است. هرساله بر میزان این مخاطرات نیز افزوده می‌شود و زندگی بشر با مشکلات و سختی‌های بیشتری روبه رو می‌شود؛ اما تلاش انسان نه برای ریشه کن کردن، بلکه کاهش مخاطرات و مبارزه با مشکلات دارای ارزش زیادی است؛ «وَإِنَّ لِيَسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى»: فقط سعی و کوشش انسان است که باقی می‌ماند. درنهایت، در میان تمامی مخاطرات طبیعی- انسانی، محیط‌زیست و آسیب‌ها، تخریب، آلودگی و کاهش منابع آن از جایگاه بالاتری برخوردار است. طبیعت و محیط مناسب برای زیست انسان تنها در این کره خاکی تعریف شده است و باز بین رفتن آن امکان تجدید و بازتولید آن وجود ندارد؛ همان‌طور که برای بسیاری از گونه‌های گیاهی، حیوانی و منابع موجود در طبیعت اتفاق افتاده است.

منابع

- قرآن کربلا.
- انتوایل، رئازوید و دیگران (۱۳۸۰). اندیشه‌های ژئوپلیتیک در قرن بیستم. ترجمه محمدرضا حافظ نیا و هاشم نصیری. تهران: دفتر مطالعات سیاسی.
- اسمیت، کیت (۱۳۸۲). مخاطرات محیطی. ترجمه ابراهیم مقیمی و شاپور گودرزی نژاد. تهران: انتشارات سمت.
- اویزی، رمضان (۱۳۹۰). جغرافیای مخاطرات (مخاطرات انسانی و طبیعی). ترجمه محمد ظاهري. تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز.
- بک، اولریش (۱۳۸۸). جامعه در مخاطره جهانی. ترجمه محمدرضا مهدی زاده. تهران: انتشارات کویر.
- پاپلی بزدی، محمد حسین؛ امیر ابراهیمی، محمد (۱۳۸۷). نظریه‌های توسعه روستایی. تهران: انتشارات سمت.
- پوراحمد، احمد (۱۳۸۶). قلمرو و فلسفه جغرافیا. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- جعفری گوهر، منوچهر (۱۳۸۲). متنون جغرافیای انسانی به زبان خارجی (۲). تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- حاتمی، نادر (۱۳۸۷). «حاشیه نشینی و معضل بزمکاری (۱)». مجله اصلاح و تربیت. شماره ۷۷. صص ۲۵-۲۹.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۵). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک. مشهد: انتشارات پاپلی.
- رضوانی گیل کلاهی، غفار (۱۳۷۲). «حاشیه نشینی، پدیده نگران کننده قرن». مجله گزارش. شماره ۳۷.
- سجادپور، سیدکاظم (۱۳۸۱). جهانی شدن: برداشت‌ها و پیامدها

سیاسی، نظامی، اجتماعی و زیستمحیطی را براساس نظرات بری بوزان در برگیرد. به‌حال نیاز به امنیت برای بشر نیاز به وجود سازمان‌های سیاسی- مدیریتی را منعکس می‌کند» (عسگری و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۱-۶۰).

بحث و نتیجه‌گیری

ما در جهانی زندگی می‌کنیم که تمام بخش‌های آن به هم‌دیگر وابسته است و هر تغییر به معنای تغییر دیگری است. وجود یک مخاطره در یک بخش جهان همانند تولید امواجی است که کل گیتی را در بر می‌گیرد. این جهان دارای نظم واحدی است؛ به عبارت دیگر وحدت در عین کثرت. گرم شدن کره زمین باعث ذوب شدن یخچال‌های قطبی شده و این ذوب سطح آب اقیانوس‌ها را بالا می‌برد و درنهایت برخی از مکان‌ها مثلاً شهر بانکوک پایتخت تایلند که دارای موقعیت ساحلی و کم ارتفاع می‌باشد را دچار بحران می‌کند؛ نهایتاً کمبود زمین‌های ساحلی حاصلخیز در مکان‌های مستعد کشاورزی مثل جنوب شرق آسیا، زمینه ایجاد بحران‌ها و مخاطرات انسانی فراوانی را فراهم می‌کند، مخاطراتی که اغلب وارد حوزه‌های سیاسی- اجتماعی شده و زمینه شورش، اغتشاش، کودتا و... را در این گونه کشورها و سایر نقاط جهان فراهم می‌کند.

واقعیت آن است که منافع، قدرت، مادی‌گرایی، رقابت، سودجویی، قدرت، سرمایه و... انجیزه اصلی مخاطرات بوده‌اند. به‌واسطه تغییر شرایط به صورت کلی و تغییر آمال‌ها و آرزوهای انسان و نیز کم‌رنگ شدن نقش ایمان در زندگی، انسان مخاطره آفرین تر از گذشته شده است. خطرات واقعاً امروزه بیش از هر زمان دیگری در کمین بشریت نشسته‌اند. به آن اندازه که از امنیت نظامی و جنگ‌ها در طی قرون و در عرصه روابط بین‌الملل نگران بوده‌ایم؛ امروزه شاهدیم که تهدیدات در همین نزدیکی و در کنار دست ما قرار گرفته و زمینه ایجاد بحران‌های بسیار در دنیاکی را برای انسان‌ها که دارای یک سرنوشت مشترک هستند، به وجود آورده‌اند. مخاطرات، بلایا، فجایع، حوادث، اتفاقات و هر نوع مشکلی و مصیبی همراه و همزاد انسان‌ها و بخش جدایی ناپذیری از زندگی وی می‌باشد؛ همان‌طور که در قرآن مجید نیز به این امر اشاره شده است؛ «لَقَدْ خَلَقْنَا الْأَنْسَانَ فِي كَبِيدٍ»: همانا ما انسان را در سختی آفریدیم؛ اما بخش زیادی از این مخاطرات توسط وی و به دست وی ایجاد شده است؛ «ظَهَرَ الْفُسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ

- علیرضا فرشچی. تهران: دوره عالی جنگ کیلی، دی؛ مافلیت، فیل (۱۳۸۰). جهانی شدن و جهان سوم. مترجم حسن نورائی بیگدخت. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی. گل محمدی، احمد (۱۳۸۱). جهانی شدن فرهنگ و هویت. تهران: نشر نبی.
- گواهی، عبدالرحیم (۱۳۹۳). «چرا دانش مخاطرات (۲) (مخاطره‌شناسی و آینده‌پژوهی)». *فصلنامه دانش مخاطرات*. دوره ۱، شماره ۲.
- لشکری تفرشی، احسان (۱۳۹۳). *سیاست و شهر (دیدگاه‌های نو در جغرافیای سیاسی شهر)*. نشر انتخاب. مجتهدزاده، پیروز؛ عسگری، سهراب (۱۳۸۵). *جغرافیای سیاسی و زئوپلیتیک*. تهران: انتشارات پیام نور.
- مقیمی، ابراهیم (۱۳۹۳). «چرا مخاطرات (۱)، (تعريف و ضرورت)». *فصلنامه دانش مخاطرات*. دوره ۱. شماره ۱.
- Castree, N. (2008). The Geopolitics of Nature. In: Agnew, J., Mitchell, K. and G. toal. (eds). *A Companion to Political Geography*. Routledge.
- Dalby, S. (2002). *Environmental security*. Routledge.
- Dalby, S. (2006). Green Geopolitics. in Agnew, J., Mitchell, K. and G. toal, (eds). *A Companion to Political Geography*. Routledge.
- Glassner, M.I. (2004). *Political Geography*. Routledge.
- GünterBrauch, H., (2003), *Security and Environment in the Mediterranean: Conceptualising Security and Environmental Conflicts (Hexagon Series on Human and Environmental Security and Peace)*, Springer.
- Harris, N.. (2004). *What will drive International Migration?* In: www.CSGR.Com.
- Hirst, P., and Thompson. G. (2002). *The Future of Globalization*. Internet.
- Murphy, A. B. and D. Hommel, no date, *The Geopolitical Implications of Environmental Change*, in <http://geography.uoregon.edu/murphy/articles/murphy%20hommel%20with%20figures.pdf>
- O'Lear, S. (2007). *environmental geopolitics*: http://www2.ku.edu/~geography/Syllabi/Fall_2007/Envtl_Geopol.pdf
- (مجموعه مقالات). تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- شوთار، سوفی (۱۳۸۶). شناخت و درک مفاهیم جغرافیای سیاسی. تهران: انتشارات سمت.
- عسگری، سهراب (۱۳۸۹). *مقدمه‌ای بر زئوپلیتیک محیط‌زیست*. اراک: نشر نویسنده.
- و دیگران (۱۳۹۴). *سیاست و فضای*. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- فرجاد، محمد حسین (۱۳۸۳) آسیب‌شناسی و کجرودی‌های اجتماعی. تهران: قوه قضاییه، مرکز مطبوعات و انتشارات.
- کاویانی راد، مراد (۱۳۹۵). *بیوست زئوپلیتیک طرح‌های عمرانی، باستانی گریزنایی*. سایت انجمن زئوپلیتیک ایران: <http://www.iag.ir/knowledge/2011-08-14-21-45-34/917-2016-09-12-07-41-23>
- کتلین، براون؛ شلی، فرد (۱۳۸۳). *زئوپلیتیک فرآیند*. مترجم
- www2.ku.edu/~geography/Syllabi/Fall_2007/Envtl_Geopol.pdf
- Ó Tuathail, G., Dalby, S. and Routledge, P.. (2006). *The Geopolitics reader*. Routledge.
- Sutcliffe, B. (2001). *Ways to Seeing an Unequal World*. Zed Books. London and New York.
- Tucker, J. B. (2006). Biological Threat Assessment, is the Cure Worse than the Disease? In: Ó Tuathail, G., Dalby, S. and P. Routledge. (eds). *The Geopolitics reader*. Routledge.
- World Bank. (1999). *World Development Report 1998/1999*. Oxford. University Press. New York.
- World Disasters Report*. (2011). *Focus on hunger and malnutrition* International Federation of Red Cross and Red Crescent Societies: <http://www.ifrc.org/publications-and-reports/world-disasters-report/wdr2011/?gclid=CMjlnu3n5q0CFYgmtAodq3L6VA>
- UNDP. 2000, *Human Development Report*. (2000). New York: Oxford University Press.
- UNDP. 2002. *Human Development Report*. (2002). New York: Oxford University Press.